امکان تصویر صوم در رؤیت قبل از زوال با شرط متاخر

بنابراین در اینجا می‌توانیم بگوییم مأمور به، روزه از فجر تا غروب است. امر به صیام، از طلوع فجر تا غروب است. اگر موضوع ثبوتی این امر این است، وقتی رؤیت قبل از زوال آمد، به‌عنوان شرط متأخر -که شارع با دلیل بیان کرده است- انطباق قهری می‌شود. یعنی ما مکلفی داریم که قبل از زوال دیده، این شرط متأخر است. حکم به صیام از طلوع فجر تا غروب، بالفعل می‌شود. به‌معنای انطباق قهری. می‌گویند ادا‌ء ممکن نیست انجام بدهد! اگر به این صورت باشد، تا وقتی شرط متأخر نیامده –مثل علم و قدرت- تکلیفی که انطباقش قهری بود و فعلیت مرتبه اول را داشت، فعال نبود. یعنی امر طوری نبود که مولی به مکلف بگوید چرا انجام نمی‌دهی؟! هنوز که شرط متاخرش نیامده است. اماره هم نگیریم. خُب در این جور فضایی که فعال نیست، امتثال ادائی ممکن هست یا نه؟! بله، این یک جور ادا‌ء است. همان حرفی که به سید گفتید که روایات برای مقام امتثال هستند، اینجا یک مصداقش است. شارع فرموده وقتی این شرط متأخر آمد، در مقام امتثال آن امری که فعلیتش قهری بود و منطبق بود ولو فعال نبود، من از تو می‌پذیرم. از حال که نیت داری، از تو می‌پذیرم. یعنی بازگشتش به این شد: امری که قهرا بالفعل بود، در مقام فعالیت از مکلف بپذیرد که از حال نیت کند. این را قبول کردند.

شاهد عرض من؛ خُب چرا شما در اینجا اشکال ثبوتی می‌کنید؟! نظیر دارد. «صم للرؤیه و افطر للرؤیه» هیچ کسی هم ندیده، فردا قبل از زوال بینه شهادت می‌دهند که ما دیروز دیدیم. شما که خبر ندا‌شتید. بینه که خبر می‌دهد یعنی شما می‌فهمید ولو من علم ندا‌شتم، اما امر به صوم از طلوع فجر تا غروب برای من هم بالفعل بود. ولو جاهل هستم. اشتراک الاحکام بین العالم و الجاهل. دیشب بینه قائل شد که دیشب هلال را دیده‌اند، شما چه می‌گویید؟ ادا‌ء تکلیف ممکن است. الآن از دیشب برایم امر بالفعل بوده ولی من خبر ندا‌شتم و فعال نبوده، حال که قبل از زوال دیدم، در مقام امتثال مولی از من می‌پذیرد؛ یعنی الآن که بینه برایت شهادت دادند و چیزی هم نخورده ای، قبول است؛ نیت بکن. می‌گویی خُب جاهل چطور قصد کند؟! می‌گویند در مقام امتثال از شما قبول دارم.

شاگرد: فرمودی از دیشب بوده، از وسط روز که نبوده.

استاد: خُب این هم شرط متأخر است. رؤیت قبل از زوال می‌گوید «للیلة المامضیة». من روی فرض دوم شما بحث می‌کنم. به فرض های دیگر نرفتم. فرض دوم این است: مکلف قبل از رؤیت هلال مبتلا به مفطر نشده و اکنون مأمور به روزه از فجر تا غروب است. اکنون مأمور است، یعنی الآن فعالیت پیدا کرده است.

شاگرد: فعلیتش چه؟

استاد: در فعلیت انطباق قهری بوده. دیشب بینه دیده بودند، در اینجا هم امروز فی علم الله به‌عنوان شرط متأخر معلوم بوده که قبل از زوال می‌بینی. عده‌ای می‌گویند شرط متأخر معقول

نیست. کسانی که می‌گویند که معقول است، می‌گویند از آن وقت بالفعل بوده. به‌عنوان فعلیت رتبه اول. یعنی انطباق قهری. دقیقا مثل بینه است. من وقت طلوع فجر مکلفی بودم که خودم خبر ندا‌شتم. اما خدا میداند که قبل از زوال رؤیت می‌شود و امر انطباق قهری بر من جاهل دارد. مثل اینکه برخی دیده‌اند و من خبر ندارم. انطباق قهری هست ولی فعال نیست. حال ادا‌ء امتثال بکنم یا نه؟ شارع می‌فرمایدبله، چون قبل از زوال دیدی، در مقام امتثال آن امری است که قهرا بالفعل بود، این امتثال را از تو می‌پذیرم که الآن نیت کنی تا آخر.

شاگرد۲: این فرمایش شما را می‌توان از تحلیل ماهیت صوم به سرانجام رساند؟ به این بیان که صوم حقیقتی از امساک و ترک مفطرات و قصد و زمان است. وقتی به قصد نگاه می‌کنیم خود قصدش مرتبه دارد. یعنی درجایی‌که در وقت غروب رؤیت شد، شرطیت قصد از ابتدا تا انتها است. اما مواردی‌که قبل از زوال رؤیت شده باشد، به ذاتی صوم می‌گوییم که ذات ترک مفطرات به همراه قصدی که از آن رؤیت پیدا می‌کند.

استاد: همین هم در ارتکاز متدینین دور نیست. خیلی ها بودهاند که سهوا خوردهاند و می‌گوید ای وای روزه را خوردم! بعد هم افطار می‌کنند. بعد می‌فهمد تو که سهوا خورده بودی روزه ات باطل نشده بود. بعد که عمدی خوردی تازه باطل کردی. و جاهل به حکم بودی، اگر مقصر بودی باید کفاره بدهی. این مسائل خیلی پیش می‌آید. یعنی در ارتکاز آنها روزه یعنی تحقق خارجی امساک. این اصل است. لذا ولو سهوا هم بخوری دیگر شکسته است. ولی مباحثه این شد. از کتاب مرحوم شیخ آوردیم. عبارات خوبی را مرحوم حاج آقا رضا داشتند که ماهیت صوم چیست. چطور صوم را سر برسانیم. آنها مطالب خوبی بود.

شاگرد: می‌توان گفت ماهیت اصلیه صوم، با اجزاء و شرائط کاملش هست، اما به حسب شرائط فعالیتش متعدد می‌شود؟ یعنی اگر رؤیت قبل از زوال شد، قصد از طلوع فجر تا هنگام رؤیت اصلا فعال نمی‌شود.

استاد: اگر طوری است که مؤلفه فعال کننده به مکلف برمی‌گردد دون موضوع ثبوتی، همینطور است. این ضابطه در ذهن شریفتان باشد. هر کجا می‌خواهید بین مؤلفه فعال کننده تکلیفی، با مؤلفه انطباق قهری تفاوتش را ببینید، ببینید اگر به من برمی‌گردد و چیزی نیست که مولی در موضوع ثبوتی در نظر گرفته، فرمایش شما مطرح می‌شود.

شاگرد۳: مؤلفه‌های فعال کننده در ذهنتان چیست؟

استاد: قدرت، علم، بلوغ. خیلی ها مثل صاحب جواهر فرموده‌اند ادله شرعیه از غیر بالغ انصراف دارد. درحالی‌که بحث شد که اینطور نیست. چرا ادله شرعیه از غیر بالغ منصرف نیست؟ شاید خود بلوغ همینطور باشد. یعنی دلیل شامل غیر بالغ هم هست، بلوغ یک نحو درجه‌ای از فعالیت و ترتب عقاب را برای غیر بالغ می‌آورد.

شاگرد۳: یعنی در خود مکلف بلوغ شرط نیست؟

استاد: نه، در عالم به امر، بلوغ شرط نیست. همین که خطاب را بفهمد کافی است. بچه‌ای که می‌خواهد نماز ظهر شرعی را بخواند، همین که نماز ظهر را فهمید و فهمید که این نماز ظهر در شریعت است و بر مکلفین وجوب دارد –ولو بر او استحباب دارد- وقتی الله‌اکبر گفت، دقیقاً نماز ظهر او مصداق نماز ظهر شرعی است. نه اینکه چیزی شبیه به نماز ظهر باشد. ارتکاز همه هم موافق با این است. می‌گویند نماز ظهر می‌خواند. صبی مراهق است، به او می‌گویند نماز ظهرت را بخوان. می‌گوید بر من که واجب نیست! می‌گویند مستحب هم که هست. مستحب هست یعنی یک نماز دیگری است؟! می‌گوید آن نمازی که مستحب است، نماز ظهر نیست! آنی هم که بر شما واجب است بر من واجب نیست، چرا بخوانم؟! این خلاف ارتکاز است. بلکه می‌گوید الآن که تو مراهق هستی،

همان امر است که برای تو مندوب است. اینها را در مباحثه مفصل بحث کردیم. در اینجا مباحث خیلی خوبی مطرح شده است.

ببینید اینکه سید فرمودند: «بأنّ المراد من الصوم بعد مضيّ جزء من وقته هو الإمساك»، آیا مرادشان همان چهارمی است که آقا در اینجا فرمودند؟ نه، مقصود سید از این مراد، می‌تواند دومی هم باشد. یعنی اینکه می‌گویند مراد از صوم امساک است، نه یعنی تکه روز صوم است. مقصودشان همین فعالیت است. یعنی صوم مأمور به از طلوع فجر بود. ما از آن دست برنداشتیم. فعلاً در این روایات که می‌گویند قبل از زوال دیدی، مراد صومی است که امرش فعال شده. البته نص در این نیست که سید بخواهند بگویند صوم یعنی تکه روز.

بعد فرمودند: «و قد ورد الامر بالصوم». در این روایت که شما آوردی امر به صوم نبود. الآن «امر» در اینجا به چه معنا است؟ دارید می‌بینیم که امر نیست، چرا ایشان فرمودند «امر»؟! باز این احتمال هست که مقصود ایشان از امر، یعنی تحقق امر در مقام توهم حظر. اگر حضرت اجازه نمی دادند بدعت می‌شد. خلاف شرع می‌شد. جایز نبود. سید می‌گویند «و قد ورد الامر». امر در اینجا به این معنا نیست که حضرت بگویند روزه بگیر. همین که می‌گویند «له ان یصوم»، این امر به صوم است. نه به این معنا که بگویند «صم»، بلکه به‌معنای مقابل غیر مشروع بودن است. این هم مانعی ندارد.

شاگرد: امری که جمعش اموره می‌شود؟

استاد: نه. لازم نکرده. در امر توهم حظر، جمعش اموره است؟! دکتر تا به حال گفته بود این را نخور. بعد می‌گوید از امروز به بعد تخم‌مرغ را بخور. این بخور یعنی الآن به خانه برو و بخور؟! می‌گویید نه، چون قبلاً ممنوع بوده و عقیب حظر بوده، حال که می‌گوید بخور یعنی جواز دارد. خُب این امری که می‌گوییم عقیب حظر است، جمعش اموره می‌شود؟!

شاگرد: محقق عبادیت است.

استاد: ظاهراً در «ورد الامر» هم محملی در کلام سید است.

شاگرد۲: گاهی فعل مضارع هم به‌معنای امر است.

استاد: بله. «یصوم» یعنی می‌گیرد. ولی چون امرش وجوب بالفعل نیست، می‌خواهند جواز را بگویند. «یصوم، یعنی له ان یصوم».

شاگرد۲: اگر ماه مبارک باشد، واجب است.

استاد: «و یقضیه من شهر رمضان»؛ قضاء است و ظاهراً موسع بوده. حضرت می‌فرمایند: «نعم یصومه». همین «یصومه» در معنای فعل مضارع به‌معنای امر به کار می‌رود. اخبار به معنی الامر است.

شاگرد: علی ای حال در همه اینها امر هست. می‌تواند استحبابی باشد.

استاد: کاشف از طلب است. یعنی اینجا خلاف شرع نیست. امر شرعی داریم. مقصود سید این است. ولی علی ای حال دقت های خوبی بود که افاده کردند.

شاگرد۲: در این قسمتی که فرمودند «فإمّا أن يتوجّه الأمر إلى مجموع الوقت أو إلى البقيّة المستقبلة من النهار، و الأوّل باطل؛ لانتفاء القدرة عليه»، فعلیت و فعالیت یک بیان است، اما جوابی که می‌توان به «لانتفاء القدرة عليه» داد این است که ما با محاسبات نجومی و ... از شب

قبل بدانیم که فردا قبل از زوال رؤیت می‌شود، پس الآن من قادر هستم. یعنی این استدلال اخص از مدعا است. همه جا اینطور نیست که «لانتفاء القدرة علیه» باشد. چون جایی که من بدانم فردا قبل از زوال رؤیت می‌شود، قادر هستم. مثلاً قبل از غروب بوده و من می‌دانم که ماه از مقارنه در شده، فردا دیگر قبل از زوال رؤیت می‌شود، دیگر انتفاء قدرت نیست.

استاد: روی فرض اینکه شرط متأخر بگیریم –البته لازم نیست شرط متأخر بگیریم- شما می‌فرمایید علم به شرط متأخر قبل از تحققش محال نیست. اگر علم به شرط متأخر پیدا کردم، در همان وقت هم قدرت محقق می‌شود.

شاگرد۲: فعلیت امر وسط روز می‌شود.

استاد: فعالیتش.

شاگرد۲: کسی که قدرت ندارد یعنی فعلیت امر «صم للرؤیه» را ندارد.

استاد: «فإمّا أن يتوجّه الأمر إلى مجموع الوقت أو إلى البقيّة المستقبلة من النهار، و الأوّل باطل؛ لانتفاء القدرة عليه». همینجا «توجه الامر» یعنی انطباق قهری موضوع امر بر آن؟ یا توجه الامر یعنی فعالیت امر الآن که می‌فرمایید «صم»؟

شاگرد: مثل کسی است که از الآن می‌داند فردا مسافر است و قبل از زوال به وطنش می‌رسد.

استاد: نمی‌تواند نیت کند.

شاگرد: من قادر هستم که فردا صوم شرعی بگیرم.

استاد: در مسائل فقهی مرحوم سید در عروه و سائر فقها دارند. در اینکه شما می‌فرمایید رؤیت فردا، شرط الوجوب است. اما به شرط الوجوب به نحو کاشف متقدم علم پیدا می‌کنیم، در اینجا فرمایش شما می‌آید. در مثال سفر می‌دانیم شرط الوجوب نیست. تفاوت دارد. چون تا من به وطن نرسیده ام عالم هستم که بر من واجب نیست و شرط الوجوب را ندارد. بلکه حرام است. این فرق می‌کند. لذا باید دقت کنید. شرط الصحة، شرط الوجوب. اگر عروه را ببینید می‌بینید مرحوم سید اینها را در باب جدا آورده‌اند. شرائط تکلیف و شرائط صحت. اینها را جدا کرده‌اند. سفر در دو جای عروه آمده است. یکی درجایی‌که شرائط صحت را گفته‌اند؛ یصح الصوم، اما اگر مسافر باشد لایصح. یجب علیه الصوم، اما اگر مسافر باشد لایجب. لذا شیخ و شیخه را در بخش شرائط وجوب ذکر می‌کنند و می‌گویند شیخ و شیخه شرائط وجوب را ندارند. بلکه افطار بر آنها جایز است. اما شیخ و شیخه را در شرائط صحت ذکر نمی‌کنند. چون اگر شیخ و شیخه روزه بگیرند از آنها صحیح است. شرط صحت را دارند اما شرط وجوب را ندارند. این را در عروه جدا کرده‌اند.

شاگرد: اگر رؤیت جزمی را شرط ندانیم، نکته ی دیگر برای قدرت دارد. همانطور که در یوم الشک...

استاد: بله، رجاء در نیت و ... .

بازبینی #1
ایجاد شده 4 آوریل 2026 12:20:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 آوریل 2026 12:23:08 توسط ... .